

نسل بدون خاطره سیاسی



احمدغلامی

«هر نسلی براساس تجربه‌های سیاسی و خاطرات سیاسی خود شکل می‌گیرد». اندرو کمپبل در کتاب «چرا سیاست مهم است» درباره گذشته‌ای حرف می‌زند که زمان حال آدم‌ها را می‌سازد. ردپای گذشته در تجربه سیاسی و خاطرات سیاسی هر نسل همراهش از گذشته به زمان حال می‌آید. شاید این کلید قفل بدفهمی‌های نسل‌های سیاسی در ایران باشد. درباره گذشته دور سخن نمی‌گوییم؛ درباره دوره مشروطه یا کودتای سوم اسفند و بر سر کار آمدن رضاشاه. اما می‌توان از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سخن گفت؛ چراکه اثرات این کودتا هنوز در وجود نسلی جاری است که به طور مستقیم یا با فاصله، با عواقب این کودتا درگیر بوده است. این نسل از کودتازدگان و کودتادیدگان که از پس دوران سپری‌شده اینک از مردم سالخورده‌اند، نگاهی پارادوکسیکال دارند؛ هم دل‌بسته آن هستند و هم از سیاست بیزارند. نسل باقی‌مانده از این دوران، «شورشیان آرمان‌خواهی» هستند که خاطرات آنان از مبارزات پساکودتا پر شده است؛ مبارزاتی برای برون‌رفت از طمع تلخ کودتا. طمع تلخ شکستی که بیش از آنکه تبعات آن را بتوان در تاریخ سراغ گرفت. در ادبیات به‌ویژه در رمان «داستان یک شهر» اثر احمد محمود می‌توان پیدا کرد. محمود خود از همین نسل بود و تا پایان عمر با کودتا و کودتایان کنار نیامد. در دوران پساکودتا در خفا دو نحله فکری شکل گرفت: آنان‌که راه را در تغییر بنیادی فرهنگ جستند و آنان‌که درصدد مبارزه بی‌امان و تا سر حد مرگ با کودتایان برآمدند. هر دو نحله فکری اینک نام‌هایی آشنا دارد. احمد شاملو، احمد محمود، رضا برهنی و غلامحسین ساعدی از چهره‌های شاخص گروه اول‌اند و در گروه دوم، امیرپرویز پویان، حمید اشرف، بیژن جزنی و مسعود احمدزاده را می‌توان نام برد. این چهره‌ها براساس تجربه سیاسی و خاطرات سیاسی خود یا به میدان گذاشته‌اند؛ چراکه باور داشتند «سیاست مهم است» و آنان می‌توانند پیشگام راهی نو برای آیندگان باشند، اگرچه خطاهای‌شان نیز اجتناب‌ناپذیر بوده است. آنان به این گفته سیسرو باور داشتند که «رفاه بالاترین قانون است». پس ازاین‌رو به سیاست روی آوردند تا آن را تغییر دهند. اما بازماندگان این نسل در واپسین سال‌های زندگی خود به سر می‌برند و باور این نحله فکری در جامعه دست بالا را ندارد. جامعه ایران‌که انقلاب بزرگی را پشت سر گذاشته، نگاهی انتقادی به گذشته دارد، نگاهی که گاه از مرز انصاف دور می‌شود. اگر بخواهیم نسل‌های معاصر ایران‌اعم از سیاست‌مداران و افسار مردم را با الگوی کمبل مورد تجزیه و تحلیل قرار بدهیم، به چه نتایجی خواهیم رسید. نسل کنونی متأثر از کدام وقایع سیاسی است و درباره سیاست و سیاست‌ورزی چگونه می‌اندیشد؟ خاطرات آنان و تجربه سیاسی‌شان راهنمای چه نوع زیستنی است؟ نسل‌های متفاوت معاصر ایران، وقایع و تجربه‌های سیاسی زیادی را پشت سر گذاشته است. وقایع ۸۸ تجربه سیاسی و خاطرات سیاسی یک نسل را نشان می‌دهد. اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ و وقایع شهریور ۱۴۰۱، هریک تجربه سیاسی متفاوتی را به نمایش می‌گذارد. آنان که در اعتراضات سال ۸۸ یا به میدان گذاشته‌اند، بیشتر از نسل دوم خرداد ۱۳۳۶ به حساب می‌آیند. آنان که در وقایع دی ۹۶ و آبان ۹۸ حضور داشتند، ناگفته بر این باور بودند که «رفاه بالاترین قانون است». این افراد صاحب تجربه سیاسی و خاطره سیاسی کاملاً متفاوت از مردمی هستند که در سال ۸۸ به میدان آمده بودند. در واقع نه‌تنها در عرصه سیاسی هم‌صدایی جدی بین این جریان‌ها وجود نداشت، بلکه در برخی مواضع با یکدیگر اختلاف‌نظر جدی نیز داشتند و تجربه و خاطره سیاسی آنان با یکدیگر چفت‌ووست نمی‌شد. نسل دیگری از معترضان در شهریور ۱۴۰۱ به عرصه سیاسی ایران پا گذاشت که باوری به سیاست رایج نداشت. سیاست به معنایی که تا آن زمان نسل‌ها را تا حدودی به یکدیگر پیوند می‌داد. آنان سبب‌ساز گسستی جدی بین خود با نسل‌های دیگر نبوده‌اند و به اختلاف میان نسل‌ها نیز دامن زدند. این نسل چون در پی سیاست به معنای کسب قدرت نبودند، از نحله و تفکر خاصی پیروی نمی‌کردند. ازاین‌رو جریان‌های سیاسی بسیاری را به طمع انداختند تا آنان را به نفع خودشان نشانندگذاری کنند. اما هیچ‌یک از این تلاش‌ها به معنای واقعی اثرگذار نبود. آنان مانند نسلی آتشفشانی بودند که صدای‌شان را کسی نشنیده بود و در گرگ‌ومیش سیاست قیوران کردند. این نسل تاثیر عمیقی بر آینده سیاسی و اجتماعی ایران داشته‌اند. آنچه محل تأمل است، این است که کدام تجربه سیاسی و خاطرات سیاسی آنان را برانگیخت.

کسانی‌که ضد سیاست بودند،

چگونه و از چه گذرگاهی وارد کنش سیاسی شدند.

	<div>شنبه ۲۴ شهریور ۱۴۰۳</div>
	<div>۱۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۶</div>
	<div>۱۴ سپتامبر ۲۰۲۴</div>
	<div>سال بیست‌ویکم</div>
	<div>شماره ۴۹۲۳</div>
	<div>۲۰ هزار تومان</div>
	<div>۱۲ صفحه</div>
	

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

«شرق» رابطه تورم بهای زمین و کاهش فضای سبز تهران را به بهانه طرح دوباره موضوع کم‌آبی بررسی می‌کند

درختان قربانی سوداگران زمین



واکاوی متن و حواشی نخستین سفر خارجی دولت چهاردهم به عراق

گام نخست؛ دیپلماسی وحدت در منطقه

یادداشت

ابهامات فرودگاه بین‌المللی ناتمام چابهار



عبدالرحیم کردی

تعداد زیادی از فرودگاه‌های ساخته‌شده در کشور را انجام داده‌اند، تهیه شده است و هر کدام از آن موضوعات فنی مطرح‌شده توسط وزیر محترم دفاع، پاسخ کارشناسی و تخصصی لازم را دارد؛ البته که این مستندات قبل از صدور موافقت اصولی به مراجع ذی‌صلاح ارائه شده است و برپایه همین مطالعات، موافقت اصولی صادر شد. در صورت نیاز به انتشار این اسناد یا بررسی در محافل تخصصی آمادگی ارائه مستندات و پاسخ‌گویی به همه ابهامات را دارم اما در این یادداشت قصد دارم دلایل اولیه شکل‌گیری این فرودگاه و ضرورت آن را مرور کنم تا شاید مورد توجه تیم اقتصادی و راهبردی دولت جدید قرار گیرد.
۱- در یکی، دو دهه اخیر به واسطه اهمیت‌یافتن زمان و هزینه حمل و حضور در بازارهای مصرف در زمان مناسب موضوع حمل‌ونقل به صورت عام و حمل‌ونقل هوایی بین شرق و غرب توسعه‌فزاینده‌ای داشته است. نقش مهم باراندازی و توزیع باری که نعمت توسعه سواحل جنوبی دریایی عمان و خلیج فارس شده، در اثر این تغییر آرایش و پیامدهای آن بوده است. فرودگاه دویی در قدم اول و در پی آن دوحه و مسقط با این چشم‌انداز ایجاد شدند و از ابزارهای مهم تحول کشورهایشان و همین‌طور منبع عظیم درآمدی از طریق ارائه خدمت فرودگاهی و زنجیره ارزش لجستیک هوایی در بعد بار و مسافر شده‌اند. تاثیر این فرودگاه‌ها بر اقتصاد گردشگری بر کسی پوشیده نیست و پرداختن به آمار و ارقام در این مجال میسر نیست، اما حیرت‌انگیز است.

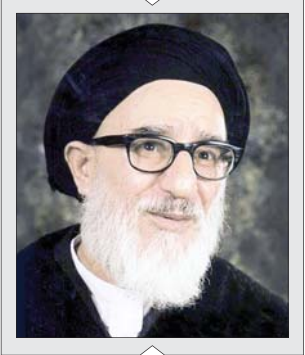
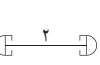
۲- شوربختانه چابهار و شمال خلیج فارس و دریای عمان از سر ناآگاهی در بهترین حالت، از این فضای رقابت حذف شده است. در حالی‌که مسیرهای پروازی شرق به غرب از طریق چابهار به اعتراف متخصصان و فعالان لجستیک هوایی به مراتب هم در بعد زمان و هم در بعد هزینه صرفه بیشتری داشته و آثار جانبی این زیرساخت اساسی در حوزه گردشگری به واسطه فرصت‌های بی‌نظیر طبیعی سواحل شمالی دریای عمان بر کسی پوشیده نیست؛ علاوه بر درآمدهای ترانزیتی و خدمات فرودگاهی و امکان جابه‌جایی مسافر و بار که جنبه ملی داشته، وجود یک فرودگاه بین‌المللی چه پیامی را برای سرمایه‌گذاران بالقوه سایر بخش‌های اقتصادی در منطقه مخابره خواهد کرد؟ حضور سرمایه‌گذاران بزرگ‌مقیاس و امید ایجادشده برای اراده دولت در جهت توسعه این منطقه در دوره کوتاه شروع عملیات اجرایی فرودگاه جدید در محدوده منطقه آزاد بیانگر اثربخشی و اهمیت این فرودگاه برای سایر پروژه‌های اساسی منطقه است که قطعا در سوابق سازمان منطقه آزاد چابهار قابل رصد و بررسی است.

۳- ظرفیت منطقه آزاد چابهار به واسطه مشوق‌های سرمایه‌گذاری و مقررات ورود و خروج بدون روایتد و همین‌طور مقررات گمرکی

گزارش تیتریک را در صفحه ۴ بخوانید

در چهل و پنجمین سالگرد درگذشت آیت‌الله طالقانی مطرح شد

طالقانی و جوانان امروز



برگزیده‌ها

زاینده‌رود در سکوت جان می‌دهد

نکاتی کلیدی در مناظره ریاست جمهوری دونالد ترامپ و کامالا هریس

معمای انتخابات حل نشد

ولیموتس، فساد و حلاسقف بودجه مهدی تاج گوشه‌رینگ

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده در مجمع زنان سازمان همکاری شانگهای مطرح کرد

زنان؛ بازیگران اصلی حکمرانی موفق و عادلانه

نگاه
به انتقال پایتخت! اما...
یادداشتی از ترانه بلدا

مغلبه‌های فرسایشی توسعه مکران
یادداشتی از احمد الهیاری

یادداشت

میدان برای دیپلماسی

هشت سال پیش در چنین روزی یادداشتی داشتم با عنوان «کمی شیشه‌خرده داشته باشیم». اما موضوع یادداشت چه بود و منظورم از شیشه‌خرده چیست؟ موضوع یادداشت برمی‌گشت به این‌نظر بسیار شنیده‌شده که مثلا «به ما چه مربوط در سوریه یا لبنان یا فلسطین و... چه می‌گذرد، که اصلا در آنجاها دخالت بکنیم یا نکنیم» و گفته بودم این خیلی خوب می‌شود که ما کاری به کار جای دیگری نداشته باشیم و سرمان به کار خودمان باشد ولی این وقتی امکان‌پذیر است که دیگران هم کاری به کار ما نداشته باشند و بعد گفته بودم، اما چنین چیزی اصلا امکان‌پذیر نیست و کشور ما یک جزیره دورافتاده مانند «جزیره ایستر» در اقیانوس آرام نیست که هیچ‌کس تا قرن‌ها از وجودش باخبر نباشد و اینجا که ما هستیم، نامش خاورمیانه است و در خاورمیانه، وقتی از عمق استراتژیک برای هر کشوری صحبت می‌کنیم، این عمق استراتژیک گاهی تا آن‌سوی مرزهای چند کشور آن‌طرف‌تر هم می‌رود و این نه‌تنها برای کشور ما، بلکه برای کشورهای دیگر منطقه خاورمیانه هم صادق است و منظورم از این شیشه‌خرده، مثل همان خانه‌های قدیمی است که روی هره دیوارشان، شیشه‌خرده کار می‌گذاشتند که یک زمانی یک نفر از دیوارشان بالا نکشد و این شیشه‌خرده، امروز و در عالم سیاست یعنی یک کاری بکنی که بتوانی خودت را در این‌خاورمیانه‌ای که این‌قدر متلاطم است، حفظ کنی. برای نمونه همین داستان افغانستان که ماجرای مهاجرانش بعد از استقرار دوباره طالبان در آن کشور و موج پناهندگانش در همین بی‌سروسامانی سه سال گذشته کشورمان، چه وضعیتی را فراهم کرده که حتی برخی، از آن بهانه‌ای ساخته‌اند برای نفرت‌پرانی قومی که اگر فکری برای آن ننشود، می‌تواند این نفرت‌پرآگنسی قومی را به معضلی داخلی نیز تبدیل کند.

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید.عکس: یانگادا/اطلاعی‌سی‌ان‌ا‌سی‌ان/ریاست‌جمهوری

^[1]
^[2]
^[3]
^[4]